سه احتمال در روایت اهل بطن نخله

احتمال سوم؛ تناسب «دخول شهر» و لحظه «رؤیت هلال»

تنبیه سوم بودیم؛ مرحوم سید فرموده بودند «بسند ضعیف»، مقصودشان از تنبیه سوم، تعلیقه صاحب وسائل بود. نسخه ای که ظاهراً در دست مرحوم سید بوده، این تعلیقه را داشته است. نکته‌ای که مرحوم صاحب وسائل را محتاج کرده تا این تعلیقه را بزنند، این بود: صاحب وسائل روایت عمر بن یزید که مغیریه گفته بودند شب بهنبال روز می‌آید و حضرت فرمودند «کذبوا»، این روایت را صاحب وسائل در ذیل همین بحث سید آورده بودند. لذا مناسبت دارد که سید به نسخه وسائل در همین باب مراجعه کرده بودند. چون ایشان فرموده بودند: «باب انه لاعبرة برویة الهلال قبل الزوال». یعنی مخالف همین نظر سید بودند. در این باب، هفت روایت آورده اند. هفتمین روایت، همین روایت عمر بن یزید است. سید می‌فرمایند چرا شما این روایت را برای عدم اجزاء رؤیت قبل از زوال شاهد آورده‌اید؟! خود صاحب وسائل بعد از اینکه آورده‌اند به این نکته توجه فرموده‌اند. لذا در پاورقی با «منه» توضیح داده‌اند. همین عبارتی که سید آورده‌اند را آورده‌اند. «وجه الدلالة...». یعنی وقتی قبل از زوال دیدن امروز دیگر نخواهد بود. شب آینده شب اول است، و روز آینده که غیر از امروز است، روز آینده است. این استدلال صاحب وسائل در پاورقی بود که ذیل همین باب آورده‌اند. مرحوم سید هم از ایشان با یک کلمه «وه کما تری» جواب دادند. اندازه‌ای که در وسعم بود «کما تری» را عرض کردم. اگر وجه دیگری در ذهن شما مانده بفرمایید.

الآن این مصباح تمام شد؛ مباحثه‌ای که مقصود ما از رؤیت هلال بود تمام شد. بالای سیصد جلسه از همه چیز صحبت شده، اگر می‌بینید یک بحثی مانده حتماً تذکر بدهید و بفرمایید که فلان بحث مطرح شد و احاله به آینده شد و ماند. گاهی بحث‌ها خلاصه مطرح می‌شود که باید بدانیم این بحث ناتمام مانده است. خود این چیز کمی نیست. علماء فرموده‌اند: «حُسن السؤال نصفُ الجواب»، یعنی اگر سؤال را خوب مطرح کنید نصف جواب داده شده است. حال یکی از بهترین چیزها برای رسیدن به این بحث، پیدا کردنش و نام بردنش است. وقتی بگوییم در این جلسات مثلاً سه بحث ناتمام مانده، ولو ما مباحثه نکنیم اما همه می‌توان راجع به آن مختصر صحبت کنیم و همه برای دیگرانی که می‌خواهند تحقیق کنند لازم نیست به همه اینها مراجعه کنند.

راجع به این روایت نکته ی چند لحظه‌ای بگویم. در مورد این روایت عمر بن یزید، عرض کردم سه احتمال به ذهن ما می‌آید. یکی اینکه امام علیه‌السلام صرفاً به رسم عرب استشهاد کرده‌اند و خلاص. رسم عرب این بود که «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر»، پس شب قبل از روز است. لذا چون آنها گفته اند شب بعد از روز است، پس «کذبوا». دوم، امام علیه‌السلام به رسم عرب استشهاد می‌کنند، اما با یک ملاحظه علّت کار. علّت کار، «رأوا الهلال» است. چون هلال را دیدند پس از امشب اول ماه است. این صرف رسم نیست، یک تناسب حکم و موضوع و استدلالی است که امام علیه‌السلام ذهن عرف و ارتکاز عرف را باز می‌کنند. خب چرا اسم از آنها می‌برند؟ چون واقعه شد و گفتند. و الاّ در جای دیگر امام به چه چیزی استشهاد کنند تا بگویند شب جلو است. خب آنها می‌گویند ما هم عرف هستیم و می‌گوییم شب عقب است. امام علیه‌السلام به یک واقعه‌ی مشهوری

که آیه برای آن نازل شده، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ»[1]، استشهاد می‌کنند که معلوم باشد. ولی علی ای حال منظور امام استشهاد به عرف است.

احتمال سوم را در جلسه صد و شصت و یک بحث کردیم. بیش از این بود؛ یعنی امام علیه‌السلام کاری به عرف عام ندارند. بلکه به استدلال و ارتکاز و تناسب حکم و موضوعی که در عرف هست. یعنی چرا عرف «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر»؟ عرف یکبار یعنی پدر و مادر و قبل و بعد گفته بودند «اذا رأوا الهلال قد دخل الشهر»؟! این یک چیز است. اما یکی هم این است که امام علیه‌السلام از این واقعه می‌خواهند تناسب را بیان کنند. اینها می‌گویند امشب ماه را دیدیم، ولی هنوز ماه جمادی است، هنوز ماه شعبان است. فردا اول است، و شب بعدش شب اول ماه مبارک است. آنها این جور می‌گفتند. امام علیه‌السلام با استشهاد به این کار عرف، یک چیزی را می‌گویند که «قضای قیاساتها معها» است. می‌فرمایند «کذبوا انّ اهل بطن النخله اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام». ببینید در کلام حضرت اسمی از «اذا رأوا الهلال عند الغروب قالوا هذه اللیله لیلة شهر الحرام» نیست. می‌گویند «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام». «قالوا» یعنی صبر کنید تا غروب شود ای نه؟ این فقه الحدیث سوم کار می‌برد. باید بیشتر روی این رفت‌وبرگشت شود تا ببینیم این وجه سر می‌رسد ای نه. یعنی امام علیه‌السلام از تناسب «رأوا» و «دخل» یک مطلب واضحی را می‌گویند که عرف هم همان را می‌گوید. وقتی هلال را دیدیم، بـگوییم هنوز ماه بعدی نیامده، هنوز ماه قبلی ادامه دارد لذا باید صبر کنی تا شب شود؛ صبر کن تا فردا شود. مغیریه می‌گویند ولو هلال را دیدهای، صبر کن تا فردا شود. فردا بگو که ماه مبارک داخل شده است. امام می‌فرمایند اینها بی خود می‌گویند. خب عرف چه می‌گوید؟ عرف می‌گوید وقتی هلال را دیدی بگو از امشب ماه داخل شده است. خب این هم در فرمایش امام نبود. بله، حضرت برای سبقت لیل بر نهار فرمودند اما در «دخل»، «دخل عند اللیل» نبود.

شاگرد: «عند الرویه».

استاد: «عند الرویه» ای «عند اللیل»؟ این دو وجه قبلی حتماً «عند اللیل» را می‌خواهند. شک ندارم. چرا؟ چون اگر رسم باشد، رسم این است که وقتی هلال را دیدند می‌گویند «دخل الشهر». آلآن دیگر شب ماه قبلی است. اما خب ماه از چه زمانی شروع شده؟ از شب. شب فقط شروع ماه است. لذا از اینجا بود که گفتم وجه اول و دوم با سوم فرق می‌کند. وجه سوم این است که وقتی هلال را دیدند می‌گویند ماه شروع شده است. شاهد عرفی آن را هم چند بار دیگر عرض کردم. زمان خلیفه دوم و هم زمان خلیفه سوم نامه فرستادند. وقتی بعد از ظهر هلال را دیدند بعضی روزه را خوردند. بعضی نخوردند و برای خلیفه نامه فرستادند. کسانی که خوردند کارشان چه بود؟ گفتند خب حضرت فرمودند «صوموا لرویته و افطروا لرویته». وقتی دیگر هلال را دیدیم نخوریم؟! لذا نامه نوشتند. اختلاف شد. عده ای خوردند؛ به‌خاطر «افطروا لرویته». آن جا بود که نامه ها آمد. مختلف هم هست. لذا فتوای اهلسنت فرق می‌کند. در اینکه نباید بخوری. در نقل از عثمان داشت که گفتند عده‌ای خورده‌اند او گفت «اما انا لاافطر». من نمی خورم. یک چیز محکمی صادر نکرد. شاید از خلیفه دوم هست که اگر افطار کنید تادیبتان می‌کنم. ولی قبل از زوال هم باز از خودش آمده است. این نقل خود اهلسنت است. نامه نوشت که اگر قبل از زوال دیدید، بخوری. اگر بعد از زوال است باید «اتموا الصیام الی اللیل» را اجراء کنید.

عرض من این است: روز بیست و نهم ماه مبارک، چون هلال درشت شده بود شما از بعد از ظهر دیدید. همینی که آلآن صحبت ما است. عرف بعد از ظهر دید. سؤال ساده‌ای که مکرر عرض کردم ولو مورد منافقشه قرار می‌گیرد، اما برای تشحیذ ارتکاز است. فرض گرفتیم عرف عام ساعت سه ای چهار بعد از ظهر هلال را دیدند. در تاریخ هم شواهدی مکرری دارد. می‌گویند این هلال چه ماهی است؟ تردید ندارم که می‌گویند هلال ماه شوال است. جلوتر‌ها منافقشه می‌کردند ولی عرف می‌گوید هلال ماه شوال را دیدیم. هلال ماه شوال یعنی همین استدلال امام علیه‌السلام؛ «اذا رأوا الهلال قالوا قد دخل

الشهر». همانی بود که مرحوم آقای خوئی هم در جواب فرمودند و یک عدولی شد. ایشان فرموده بودند وقتی هلال آمد برای کل کره ثابت است. در جواب مراسله اول فرمودند درست است که از تحت‌الشعاع خارج شد اما محاسبه تقویم از اول شب است. این در اولین جواب‌شان بود. یعنی از نامه شاگردشان پذیرفتند که وقتی می‌خواهید ماه را حساب کنید دیگر از وسط روز نمی‌شود. بلکه محاسبه از اول شب است. خب این هم حرفی نیست. مقصودم اینها نیست.

---

[1] البقره ۲۱۷

بازبینی #4
ایجاد شده 1 دسامبر 2025 13:50:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 15:58:39 توسط ... .